

Analysis of Quranic and Jurisprudential Evidences of Illegitimacy of Marriage Jihad in the Light of Harmful Psychological Effects and Harm to Human Health

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Ataullah Rejali¹,
Morteza Tabibi Jebli^{2*}
Massoud Rai Dehghi³

How to cite this article

Rejali A, Tabibi Jebli M, Rai Dehghi M, Analysis of Quranic and Jurisprudential Evidences of Illegitimacy of Marriage Jihad in the Light of Harmful Psychological Effects and Harm to Human Health, *Journal of Quran and Medicine* 2020;5(3):101-109.

1. PhD student, Department of Theology and Islamic Studies, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.(Corresponding Author)
3. Associate Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: tabibijebelli@gmail.com

Article History

Received: 2020/05/24

Accepted:2020/09/02

ePublished: 2020/12/20

ABSTRACT

Purpose: The present study tries to study and analyze the Quranic and jurisprudential evidences of the illegitimacy of jihad of marriage in the light of the harmful psychological effects and harm of this phenomenon to the health of individuals in order to clarify the Quranic and Shari'a ruling on this issue.

Materials and Methods: This research has been carried out by the method of library studies and in a descriptive-analytical manner, which has been obtained and analyzed by referring to Quranic, narrative and scientific texts.

Findings: The family is a cellular tissue for social organs and provides mental, physical and social health of its members. The Holy Quran states the philosophy of marriage in verse 21 of Surah Romans. According to this noble verse, the health of the family is established in the shelter of life, along with the establishment of a strong and permanent relationship between a man and a woman, which is called marriage. Now the question arises whether the jihad of marriage leads to peace, tranquility and mercy between couples or has other harmful and destructive effects on their health and spirit? The research hypothesis is that according to the verses of the Holy Quran and other jurisprudential arguments, the most important element for the validity of marriage is "satisfaction". However, this element has been severely damaged in the marriage jihad. The findings also indicate that women who have been forced into marriage jihad by force or with initial consent have suffered a great deal of psychological damage, and some of them have attempted suicide.

Conclusion: According to the findings of this study and its analysis, it is concluded that the harmful effects of marriage jihad on mental health is definite, and since the Holy Quran and other jurisprudential arguments of harm and harm It has been forbidden to others, especially the wife, and it is considered a reprehensible act, this phenomenon is considered illegitimate.

Keywords: Quranic arguments, jurisprudential arguments, mental health, marriage jihad.

تحلیل ادله قرآنی و فقهی عدم مشروعیت جهاد نکاح در پرتو آثار زیان بار روحی- روانی و آسیب رسانی به سلامت افراد

عطاء الله رجالی^۱

دانشجوی دکتری، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

مرتضی طیبی جبلی^۲

استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول)

مسعود راعی دهقی^۳

دانشیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر تلاش می‌کند ادله قرآنی و فقهی عدم مشروعیت جهاد نکاح در پرتو آثار زیان بار روحی- روانی و آسیب رسانی این پدیده به سلامت افراد را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد تا از رهگذر این بررسی‌ها حکم قرآنی و شرعی این مسأله مبرهن گردد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است که با مراجعه به متون قرآنی و روایی و علمی اطلاعات لازم به دست آمده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: خانواده در حکم بافت سلولی برای اندام‌های اجتماعی است و فراهم کننده سلامت روانی، جسمی و اجتماعی اعضا آن می‌باشد. قرآن کریم در آیه ۲۱ سوره روم فلسفه ازدواج را بیان می‌کند. با توجه به این آیه شریفه سلامت خانواده در پناه زندگی توأم با برقراری ارتباط محکم و دائمی بین زن و مرد که ازدواج نامیده می‌شود برقرار می‌شود. اکنون این پرسش مطرح می‌گردد که آیا جهاد نکاح به آرامش، مودت و رحمت بین زوجین منجر می‌شود یا آثار زیان بار و مخرب دیگری بر سلامت و روح و روان آنان دارد؟ فرضیه پژوهش آن است بر اساس آیات قرآن کریم و دیگر ادله فقهی مهم‌ترین عنصر برای صحت ازدواج، «رضایت» می‌باشد. لکن این عنصر در جهاد نکاح به شدت آسیب دیده است. همچنین یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که زنانی که با اجبار یا رضایت اولیه به جهاد نکاح تن داده اند آسیب‌های فراوان روحی و روانی دیده اند و برخی از آنها اقدام به خودکشی کرده اند.

نتیجه گیری: با توجه به یافته‌های این پژوهش و تحلیل و بررسی آن چنین نتیجه گرفته می‌شود که آثار زیان بار جهاد نکاح بر سلامت روحی و روانی امری قطعی است و از آنجایی که قرآن کریم و دیگر ادله فقهی از ضرر زدن و آسیب رساندن به دیگران به خصوص زوجه، نهی کرده اند و آن را عملی مذموم دانسته اند، این پدیده نامشروع تشخیص داده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ادله قرآنی، ادله فقهی، سلامت روانی، جهاد نکاح

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۲

*نویسنده مسئول: tabibijebelli@gmail.com

جهاد نکاح اولین بار با فتوای شیخ محمد عریفی مطرح گردیده است که در صفحه توئیتر خود جهاد نکاح را اعلام عمومی کرد و گفت جهاد نکاح حلال است و دختران و زنان می‌توانند برای کمک به جهادگران در سوریه یا کسانی که علیه نظام بشار اسد قیام مسلحانه کرده اند به سوریه بروند و با ازدواج ساعتی با آن‌ها راه بهشت را برای خودشان هموار کنند که این مسئله در بین جوامع مختلف و فقها در تمام مذاهب عکس العمل‌های مختلفی داشته و هر کدام نظر متفاوتی بیان نمودند و متأسفانه برخی فقها وهابی مسلک آن را تایید کردند. لکن پزشکان، روانپزشکان و به پیروی از آن گروه‌های زیادی از مردم نسبت به این پدیده شوم اظهار نگرانی کردند و آن را جنایت بر علیه دختران و زنان معرفی کردند. در این میان تبیین ادله قرآنی و فقهی عدم مشروعیت جهاد نکاح با توجه به آثار زیان بار روحی- روانی آن و خطرناکی که برای سلامت افراد در پی دارد نیازمند بررسی و تحلیل می‌باشد. اکنون این پرسش مطرح می‌گردد که آیا جهاد نکاح به آرامش، مودت و رحمت بین زوجین منجر می‌شود یا آثار زیان بار و مخرب دیگری بر سلامت و روح و روان آنان دارد؟ همچنین پرسش دیگری که فراروی این پژوهش می‌باشد این است که با توجه به آثار زیان بار و ضررهای فراوان و غیر قابل جبران پذیر می‌توان جهاد نکاح را مشروع قلمداد کرد؟ پژوهش حاضر برای پاسخ به این پرسش‌ها سامان یافته است.

مفهوم شناسی

جهاد نکاح

در حقیقت جهاد نکاح از دو لفظ جهاد و نکاح شکل گرفته است که هر کدام از این دو واژه در لغت و اصطلاح معانی مختلفی دارند و به شرح ذیل در کتب مختلف تعریف گشته اند.

تعریف لغوی و اصطلاحی جهاد

جهاد از ریشه جیم و هاء و دال می‌باشد که در کتاب معجم مقائیس اللغة آمده است:

«اصل آن به معنای مشقت است سپس آنچه بدین معنا نزدیک بوده بر آن حمل شده است» (۱).

جهاد در اصطلاح فقهی چنین تعریف گردیده است:

«گونه‌ای خاص از تلاش است یعنی مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و داراییهای دیگر خود با هدف گسترش اسلام یا دفاع از آن» (۱).

تعریف لغوی و اصطلاحی نکاح

در کتب لغت برای کلمه ی نکاح معانی مختلفی بیان شده است و اختلاف نظر وجود دارد در اینکه معنای نکاح، حقیقت در چیست و معنای مجازی آن نیز اختلاف شده است لکن در میان اقوال نهایتاً بین دو معنا اختلاف است که یکی عقد و دیگری وطی می‌باشد که به بیان آن می‌پردازیم.

در معجم مقائیس اللغة آمده است:

«نکاح به معنای بضع و بضاع (یعنی لذت بردن) می‌باشد و وقتی گفته می‌شود زن ناکح یعنی زنی که شوهر دارد. نکاح به معنای عقد می‌باشد نه وطی و مجامعت» (۲).

جوهری می‌گوید:

مقدمه

حکم جواز جهاد نکاح ابتدا از طریق تویبیر از جانب مفتی وهابی العریفی صادر گردید و سپس مسائل دیگری از قبیل جواز جهاد نکاح با محارم و زن متاهل تحت شرایطی از افراد دیگر مطرح شد که در گزارش های خبری به شرح ذیل بیان می گردد.

پایگاه خبری آفتاب در این رابطه گزارش کرده است:

«این تندروان مذهبی نزدیک به القاعده، از دختران و زنان مطلقه می‌خواهند تا نیازهای جنسی مجاهدان در سوریه را برآورده سازند و به بهشت بروند. این فتوا جنجال زیادی در تونس آفرید. این طور که گزارش می‌شود تعدادی از زنان و دختران برای شرکت در جهاد نکاح از تونس به مصر رفتند. پایگاه های اینترنتی تونس ضمن درج این خبر نوشت: یک تونس، خواهر کم سن و سال خود را به منظور ادای جهاد نکاح به سوریه برد. اما ماجرا از این جا فراتر رفت. یکی از جوانان تونس دلخانه وهابیت، برای این که زنش بتواند در این جهاد شرکت کند او را طلاق داد. این تروریست ها، نام این جهاد را «جهاد نکاح» گذاشته و با این روش دختران تونس را به کشور جنگ‌زده سوریه اعزام می‌کنند. این دعوت در حالی صورت می‌گیرد که روز ۹ می ۲۰۰۷ قانونی در تونس صادر شد که بر پایه آن حداقل سن ازدواج برای دختران و پسران ۱۸ سال است. این قانون هر ازدواج پیش از این سن را از لحاظ قانونی باطل می‌داند. ماجرا با فتوایی شروع شد که در فضای رسانه‌های مجازی، اینترنت و همچنین شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. فتوایی که گفته می‌شود یک روحانی وهابی به نام محمد العریفی آن را صادر کرده و گفته جهاد نکاح حلال است و دختران و زنان می‌توانند برای کمک به جهادگران در سوریه یا کسانی که علیه نظام بشار اسد قیام مسلح کرده‌اند به سوریه بروند و با ازدواج ساعتی با آنها راه بهشت را برای خودشان هموار کنند!» (۱۱).

موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر در رابطه با جهاد نکاح با محارم گزارش کرده است:

«شیخ "ناصر بن سلیمان العمر"، دبیرکل بنیاد مسلمانان عربستان سعودی و از چهره‌های سرشناس تندرو و افراطی وهابی است، ناصر بن سلیمان بن محمد العمر در روستای مریدسیه وابسته به شهر بریده در منطقه القصیم به دنیا آمد. دوران دبیرستان خود را در سال ۱۳۹۰ هجری قمری در مرکز علمی ریاض به پایان رساند سپس در سال ۱۳۹۴ تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشکده شریعت به پایان برد و سپس به عنوان مربی در دانشکده اصول دین - بخش علوم قرآنی- در دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود انتخاب گردید... به لحاظ سیاسی شیخ ناصر العمر به جریان الصحوه نزدیک است؛ جریان الصحوه جریانی است که تلاش می‌کند میان وهابیت و اخوان المسلمین پیوند برقرار سازد. مسئولان قطری از وی به شدت حمایت می‌کنند... اصر عمر در شبکه ماهواره ای وصال که نزدیک به گروه های تکفیری تندرو در سوریه است، از انتقادات وارده به فتوای "جهاد نکاح" گله کرد و گفت: برخی افراد انتقادات شدیدی را به فتوایی دارند که به برادران مجاهد اجازه جهاد نکاح می‌دهد، اما جالب است که کسی کشتار صورت گرفته توسط سوریه را به یاد نمی‌آورد و از

«نکاح به معنای وطی است و گاهی به معنای عقد به کار می رود» (۳).

در العین آمده است:

«نکح به معنای بضع و لذت بردن است و برای تزویج و ازدواج نیز به کار می رود مانند زن ناکح که به معنی زن شوهردار است» (۴).

در رابطه با تعریف نکاح در اصطلاح فقهی مرحوم نراقی چنین می گوید:

«نکاح در لغت فقط حقیقت در عقد ازدواج است بنا بر قول صحیح تر به دلیل تبادر عرفی و اصالت عدم نقل و اینکه عقد چیز جدید و تازه است و در اسلام به وجود آمده صحیح نیست زیرا برای هر دین و ملتی عقدی وجود دارد و گفته شده که فقط حقیقت در وطی است بلکه قول مشهور همین است چنانچه گفته شده، بلکه بر آن اجماع واقع شده است که این اجماع در مختلف ذکر شده است. قول دیگر اینکه نکاح حقیقت است بین عقد و وطی چون در هر دو استعمال شده است و استعمال نشانه حقیقت است. نظریه ی دیگر اینکه مجاز است در عقد و وطی به دلیل اینکه به کار رفته است به طور ضمنی و همراه با دیگر کلمات و غلبه و کثرت استعمال ولی این قول رد می شود چون ماخذ و منبع ثابت نیست» (۵).

شیخ انصاری می گوید:

«اختلاف اقوال وجود دارد در اینکه معنای حقیقی نکاح، وطی است یا عقد یا هر دو یا مجاز است در وطی و عقد. و ظاهر این است که مراد از عقد در اینجا آن چیزی است که از عقد حاصل می شود نه خود ایجاب و قبول و در فارسی نکاح را (زن گرفتن) و (شوهر گرفتن) می گویند، آنچه اهل لغت برای نکاح از استعمالات ذکر کرده اند نیز بر این گفته شهادت می دهد» (۶).

شهید ثانی می نویسد:

«بدان که نکاح بسیار به کار رفته در کتب لغت به معنای وطی و به معنای عقد کمتر به کار رفته. جوهری می گوید نکاح به معنای وطی است و گاهی به معنای عقد می آید بر خلاف دین و شریعت که به کار می رود به هر دو معنی ولی بیشتر به معنای عقد است» (۷).

شافعی گفته است:

«معنای نکاح در شرع عبارت است از عقد زیرا خداوند تبارک و تعالی هر گاه از آن در قرآن نام برده، معنای

عقد را اراده کرده است» (۸).

ابن قدامه می گوید:

«نکاح در شریعت و دین به معنای عقد ازدواج است و هر گاه کلمه نکاح به کار گرفته شود به همان معنا انصراف دارد مگر اینکه دلیل و نشانه ای بر خلاف آن موجود باشد» (۹).

مالک چنین گفته است:

«اطلاق می شود بر وطی و عقد ولی بیشتر در وطی استعمال می شود و عقد نامیده می شود زیرا عقد نکاح مقدمه ای برای آمیزش و وطی است و اختلاف است که حقیقت در کدامیک می باشد و صحیح ترین قول این است که حقیقت در وطی و مجاز در عقد است» (۱۰).

پیشینه شناسی جهاد نکاح

درصد از جوانانی که در سودای انجام جهاد به سوی عراق، سوریه و لیبی رهسپار می‌شوند را دختران کم سن و سالی تشکیل می‌دهند که از طریق اینترنت وبه ویژه شبکه های اجتماعی فریب زنان مسن عضو داعش را خورده وبه هوای انجام جهاد، به منجلا ب جهاد النکاح گرفتار می‌شوند.

از نکات قابل توجه، بی توجهی (متعمدانه) غرب نسبت به خروج بسیاری از جوانان ونوجوانان مسلمان وتازه مسلمان شده از کشورهای اروپایی به سوی گروه داعش است که همگی به شکلی رسمی واز مبادی قانونی از کشورهایشان خارج شدند.

اخبار رسیده از داخل مناطق تحت کنترل گروه داعش حکایت از آن دارد که گرچه استقبال اولیه از این دختران به گرمی صورت می‌پذیرد اما بعد از ورودشان وپیوستن برای انجام آنچه که جهاد علیه کفر، مرتدین وروافض است دیگر خروج از این دام به امری شبه محال تبدیل می‌گردد.

فؤاد نام جوانی فرانسوی است که تباری مراکشی دارد او که یک راننده کامیون است بعد از آنکه خواهر ۱۵ ساله اش از خانه فرار وبه داعش پیوسته بود، با هدف یافتن خواهرش چند ماه طول وعرض سوریه را پیمود.

خبرگزاری رویتر که داستان این مرد وخواهرش را اوایل اکتبر ۲۰۱۴ منتشر کرده به نقل از او می‌نویسد وقتی که دو نفر چشم در چشم هم شدند خواهرش به وی گفت که دیگر قادر به بازگشت به خانه نیست.

فؤاد که خواهر خود را دختر نوجوان حساس وعاشق انیمیشن های دیزنی توصیف می‌کند در این باره گفت: مطمئن است او به این خاطر حاضر نشد بامن به خانه بازگردد که امیر گروهی که وی تحت آن قرار دارد واتفاقا به زبان فرانسه هم کاملا مسلط است تهدید کرد در صورتی که "نورا" خواهرم از آنها جدا شود سرنوشتی جز مرگ در انتظارش نخواهد بود سرنوشتی که نه تنها برای نورا بلکه برای دهها وشاید صدها دختر وزن عضو گروه داعش هم چنین است.

"نهانی بارود" هم یکی از زنان منطقه الرقه است او می‌گوید چند ماه بعد از تسلط داعش بر این شهر برای انجام کاری به خارج از منزل رفته بودم که یک گشتی داعش مرا دستگیر کرد این گشتی که متشکل از زنان بود ابتدا مرا با بدترین القاب وناسزاها مورد خطاب قرار داده وبه دلیل آنکه بدون محرم از خانه خارج شده بودم دستگیر وبه مرکز پلیس شرعی بردند در آنجا بعد از آنکه مورد ضرب وشتم قرار گرفتم ام ریان که مسئول این زنان بود مرا مورد بازجویی قرار داد وبه من گفت که بعد از آن پرونده ام به دلیل این جرم به دادگاه شرعی برده شود تا در مورد من حکم صادر گردد ولی پس از مدتی از این کار منصرف شد ودر مقابل آزادی ام شرط کرد همسرم به مرکز آمده، تعهد کتبی در مورد عدم خروج مجددم از منزل داده واعلام کند در صورت تکرار خود نیز مجرم خواهد بود.

دکتر ولی الدین مختار استاد روانشناسی دانشگاه قاهره هم در این رابطه می‌گوید: حضور داعش در مناطقی از عراق و سوریه آثار ویرانگر روحی وروانی را به ویژه بر زنان ساکن این مناطق داشته

آن گله ای نمی‌کند، وی همچنین ایران و سوریه را به جنایات اخیر در سوریه متهم کرد و گفت که این دو کشور در تلاش برای تشکیل و پر رنگ کردن هلال شیعی هستند و تمایلی ندارند که سنی ها در منطقه نقشی را ایفا کنند. ناصر العمر در ادامه اظهار داشت که مجاهدین در سوریه می‌توانند در غیاب زنان مجاهد نامحرم با محارم خود ازدواج کنند، او اعلام کرد اگر دسترسی به نامحرم آسان نباشد، مجاهدین می‌توانند با محارم و خواهران خود "عقد نکاح" داشته باشند. پیش از این او از اسارت زنان شیعی و توزیع آنها بین مجاهدین سخن گفته بود» (۱۲).

مفتی وهابی به شرح زیر فتوای جواز جهاد نکاح با خواهر را داده است:

«ناصر العمر شیخ سعودی در فتوای جدیدی قائل به حلال بودن جهاد نکاح نظامیان تروریست با خواهران خود در سوریه شد و تاکید کرد: در هنگام جنگ علیه شیعیان، هیچ نوع حرامی برای نظامیان وجود ندارد، به نقل از پایگاه البغداد تایمز، وی در گفت وگویی خبری با شبکه وهابی الوصال بیان کرد: اگر در زمان جنگ، نظامیان دسترسی به زنان فعال در زمینه جهاد نکاح نداشته باشند، می‌توانند با خواهران خود نکاح کنند» (۱۲).

همچنین اکراه و اجبار در جهاد نکاح به شرح زیر گزارش شده است:

«به گزارش شیعه آنلاین، اخبار رسیده از بغداد پایتخت عراق حاکی از آن است که عده ای از زنان گروهک تروریستی - تکفیری «دولت اسرائیلی عراق و شام» موسوم به "داعش" زنان شهرهای مختلف عراق به ویژه موصل را برای "جهاد نکاح" اجبار می‌کنند، در همین راستا خبرگزاری برائنا با انتشار گزارشی در این باره نوشت: بیشتر این زنان داعشی از کشورهای شمال آفریقا آمده اند و کسانی که تن به خواسته آنان نمی‌دهند را به قتل می‌رسانند» (۱۲).

فتوای جواز جهاد نکاح برای زن متاهل نیز صادر گردیده است:

«به گزارش «شیعه نیوز»، شرط جدید فتوای مفتی وهابی "خواب مروان الحمد" در مورد جهاد نکاح برای زن متاهل با تروریست های دیگر، ظرف ۲۴ ساعه اخیر سر و صدای بسیاری را به راه انداخته است، در این فتوا که بر شبکه های اجتماعی و انجمن های اسلامی قرار گرفته آمده است: در صورت وجود زن متاهل در میان مجاهدان! وی می‌تواند بر طبق ضوابط به جهاد نکاح اقدام نماید اما به شرط اینکه همسرش را از موضوع مطلع نگرداند! این مفتی وهابی می‌افزاید: انجام این عمل به عنوان جهاد در راه خدا برای زن متاهل جایز شمرده شده اما نباید همسرش را از موضوع آگاه گرداند تا اینکه احساسات وی جریحه دار نشود!، اما اگر شوهر این زن به جهاد نکاحش راضی است دیگر مشکلی در اطلاع وی از مسئله وجود ندارد و عمل این زن عملی خالص در راه خداست!» (۱۲).

۴. آثار شناسی جهاد نکاح

جهاد نکاح همانند هر پدیده ی دیگری دارای آثار و تبعاتی می باشد. برای شناسایی آثار و تبعات آن باید به سراغ زنانی رفت که از این پدیده آسیب دیده اند. براساس آمارهای اعلام شده، ۱۰

با عنایت به اثرات مخراب و ویرانگر جهاد نکاح بر جسم، روح و روان دختران و زنان بزه دیده از این جنایت هولناک، این فاجعه بزرگ مصداق «ضرر» و «حرج» است و بر اساس تصریح قرآن کریم و سایر ادله فقهی ضرر و حرج از منظر دین مبین اسلام منهی و مذموم است. در ادامه به بررسی آیات و ادله فقهی ناهیه از ضرر رساندن به دیگران می پردازیم.

ادله قرآنی حرمت ضرررسانی به دیگران

در آیات بسیاری از قرآن کریم الفاظ ضرر و ضرار و مشتقات آنها به کار رفته است. همچنین برخی از این آیات شریفه مستقیماً بر نهی از اضرار دلالت دارند که بدون تردید با وجود نص صریح قرآن ضرر و ضرار ممنوع و محکوم به حرمت است. «این آیات در موارد خاص احکامی را ارائه کرده‌اند که از باب تعلیق حکم بر وصف، حاوی معنای عام هستند و لاضرر را به صورت یک قاعده می‌توانند تثبیت کنند» (۱۵). نمونه هایی از این آیات عبارتند از:

آیه اول: «... لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بَوْلِدَهَا وَلَا مَوْلُودُ لَهٗ بَوْلِدَهٗ؛ نباید بر مادر و فرزندش به خاطر یکدیگر زیانی وارد شود و نباید بر پدر و فرزندش از ناحیه یکدیگر ضرری وارد آید.» (بقره: ۲۳۳) در این آیه شریفه اضرار هر کدام از پدر و مادر به فرزندشان متعلق تحریم قرار گرفته است. در توضیح و تفسیر این آیه چنین آمده است: «از عادات والدین در دوران جاهلیت این بود که مادر شیردادن به فرزندش را به خاطر غیض و ناراحتی از پدر فرزندش ترک میکرد و یا پدر با ترک انفاق یا با گرفتن فرزند از مادرش و سپردن به دیگری برای شیردادن به فرزند ضرر میزدند» (۱۶).

آیه دوم: «وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلِّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسْكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سِرِّهِنَّ بِمَعْرُوفٍ ۚ وَلَا تُمَسِّكُوهُنَّ ضَرَارًا لَتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ؛ و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به پایان مهلت (عده) رسیدند، یا به طور شایسته آنها را نگاه دارید و آشتی کنید و یا آنها را به طرز پسندیده‌های رها سازید و آنها را به خاطر آزار و ضرر رساندن نگاه ندارید تا به (حقوقشان) تعدی کنید هر کس چنین کند همانا بر خود ظلم کرده است» (بقره: ۲۳۱)

در این آیه شریفه نیز از اینکه مردان برای ضرر زدن و تجاوز به حقوق زنان، آنها را نگهداری و از طلاق آنها خودداری کنند، به طور صریح نهی شده است. وجه زیان و اضرار هم یا بدین جهت است که در نفقه او کوتاهی کند و یا اینکه بخواهد به این بهانه مدت طلاق را آن قدر طولانی کند که زن مجبور شود مهریه خود را ببخشد» (۱۷) البته چنین عملی موجب ضرر و آسیب روحی نیز می‌گردد. آیه شریفه چنین عملی که مصداق اضرار (به هر گونه ای) است را ممنوع و تحریم نموده است. بنابراین آنچه که ملاک حرمت است ضرر رساندن است چه ضرر روحی و روانی و چه ضرر جسمی و مادی.

آیه سوم: «... وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْنَّ...؛ و بر زنان مطلقه زیان و آزار نرسانید تا در مضیق و رنج افکنید.» (طلاق: ۶)

آیه چهارم: «... مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دِينٍ غَيْرِ مُضَارٍّ؛ پس از انجام وصیتی که به آن سفارش شده و ادای دین، به شرط آنکه (از طریق وصیت و اقرار به دین) به ورثه ضرر نرزد.» (نساء: ۱۲)

است. وی در این باره می‌افزاید: زنان در این مناطق مجبورند انواع و اقسام سوء استفاده‌ها و آزارها روانی و جسمی را متحمل شوند در حالیکه دختران زیر ۱۸ سال هم مجبور می‌شوند با کسانی که اصولاً با آنها سنخیت و علاقه‌ای ندارند ازدواج کنند.

زنان مناطق تحت اشغال داعش نه تنها حقوق مدنی‌شان نقض شده بلکه حتی از حقوق دینی و مذهبی خود نیز بی‌بهره شده‌اند و به جای جایگاهی که دین مبین اسلام به زنان بخشیده داعش به آنها صرفاً به عنوان وسیله‌ای برای خوش گذرانی و تولید مثل نگاه می‌کند (۱۳).

همچنین تحقیقات صورت گرفته حاکی از آن است که اثرات آزار جنسی بر روی زندگی اجتماعی و فردی قربانیان، در زنان و مردان یکسان بوده و در هردوی آنها ممکن است اثرات جبران‌ناپذیر اجتماعی، مانند اختلال در برقراری ارتباطات، اعتیاد به الکل، مواد مخدر و مشکلات روحی دیگر بگذارد. نتایج این تحقیق در مجله‌ی پزشکی (American Journal of Preventive) به ثبت رسیده و بسیار مورد استفاده واقع شده است. در طی این تحقیق، محققان با بیش از ۱۷,۰۰۰ فرد بزرگسال بطور تصادفی مصاحبه و نظر سنجی به عمل آوردند. در این نظرسنجی از افرادی که شرکت کرده بودند درباره‌ی خاطره آزار جنسی‌شان، و همچنین وضعیت سلامت روحی و مشکلات اجتماعی آنها سوال شد. در این نظر سنجی، ۲۵ درصد از زنان، و بیش از ۱۶ درصد از مردان اظهار داشتند که در کودکی مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند. هنگامی که درباره‌ی جنسیت فرد آزار دهنده از افراد سوال شد، زنان اظهار کردند که در ۹۴ درصد از مواقع، مردان کسانی بودند که آنها را مورد آزار جنسی قرار دادند. در عین حال، مردان نیز اظهار کردند که جنسیت سو استفاده‌کنندگان تقریباً برابر بوده است و معمولاً زنان ۴۰ درصد از آزارهای جنسی را مرتکب شده‌اند. در ادامه‌ی این نظر سنجی، از شرکت‌کنندگان درباره‌ی نوع آزار جنسی آنها سوال شد. یکی از اهداف محققان این بود که بدانند در طی روند آزار جنسی مقاربت جنسی نیز صورت گرفته، یا آزار جنسی تنها با لمس بدن افراد خاتمه یافته است. محققان دریافته‌اند که خطر اثرات منفی آزار جنسی در مردان و زنان، در صورتی که مقاربت جنسی و دخولی صورت گرفته باشد، بیشتر و تا حدی شدیدتر خواهد بود. همچنین مطالعات نشان می‌دهد که آزار و سو استفاده جنسی، ریسک ابتلا به مشکلات روحی و روانی افراد را، علاوه بر مشکلات اجتماعی که برای فرد پدید می‌آید بالا می‌برد، و همچنین در طی مطالعات اثبات شد که این خطرات در زنان و مردان یکسان است.

آمارها نشان می‌دهد که اقدام به خودکشی در زنان و مردانی که در کودکی مورد سو استفاده جنسی قرار گرفته‌اند، حدود دو برابر افراد دیگر است. همچنین اطلاعات بدست آمده نشان می‌دهد که بزرگسالان هر دو جنس زن و مرد، که در کودکی مورد سو استفاده جنسی قرار گرفته بودند، بیشتر از سایر افراد دچار اعتیاد به الکل و مواد مخدر می‌شوند (۱۴).

حکم شناسی جهاد نکاح

موجب ضمان نیز میگردد و زیان رساننده ضامن جبران زیان و ضرر وارده است. روایات بسیار دیگری نیز از معصومین (ع) در این باره رسیده است که قاعده کلی «لاضرر و لا ضرار» یعنی حرمت و ممنوعیت تکلیفی و وضعی اضرار و آسی برساندن به خود و دیگران را به روشنی اثبات مینماید. (۲۱)

اجماع فقها

اگرچه در موقع بحث از قاعده «لاضرر و لا ضرار» فقها سخنی از اجماع اصطلاحی به میان نمی آورند، ولی اگر مقصود از اجماع این باشد که تمام یا اکثر فقهای برجسته فتوایی دهند که کشف از حجت یا موجب حدس وجود دلیل قطعی در آن مورد بوده باشد، بدون تردید می توان گفت ثبوت قاعده لاضرر به عالی ترین و متقن ترین منابع اسلامی مستند میباشد و اگر ما اختلاف درباره این قاعده با ادله سایر حقوق و تکالیف را کنار بگذاریم، با اطمینان میتوانیم بگوییم همه فقهای شیعه و اهل سنت درباره قاعده «لاضرر و لا ضرار» اتفاق نظر دارند». (۲۲) پس اجماع در مورد این قاعده بر فرض وجود، اجماع مدرکی است که حجت نمی باشد.

دلیل عقلی

بدون شک عقل مستقل به نفی ضرر و اضرار حکم می کند و ضرر و اضرار به دیگری یا به خویشتن محکوم به قبح عقلی است. اگر هیچ دلیل نقلی و شرعی هم بر ممنوعیت ضرر و نفی آن وجود نداشت، باز هم عقل به تنهایی به ممنوعیت و قبح آن حکم می کرد. بنابراین عقل یکی از مدارک محکم قاعده لاضرر در فقه بلکه مهمترین مدرک آن است.

هرچند فقها در ارتباط با مفهوم قاعده لاضرر نظرات گوناگونی ابراز داشته اند مانند نفی ضرر، نفی از ضرر رساندن، جبران و تدارک ضرر و نفی از ضرر به عنوان حکم حکومتی، چنین به نظر میرسد که همه اینها مصادیق و موارد قاعده الضرر در شرع اسلام هستند، اگرچه گاهی اثرات متفاوتی بر آنها مترتب است، مانند رفع همه احکام ضرری توسط قاعده الضرر، حرمت اضرار به دیگری، اثبات ضمان و وجوب تدارک ضرر به دنبال ضررزدن، محدود و مقیدشدن قاعده تسلط و نفی از اضرار به پشتوانه تسلط مالکانه و حکومت قاعده الضرر بر احکام اولیه در هر جا که موجب ضرر گردد، ولی از همه اینها میتوان حرمت و عدم مشروعیت ضرر و اضرار را نتیجه گرفت و این ضرر و اضرار هم مربوط به ضررهای شخصی است و هم نوعی، هم اضرار به نفس را شامل میشود و هم اضرار به غیر را، نفی ضرر و اضرار هم مربوط به مرحله تشریح است و هم مرحله اجرای احکام و در روابط اجتماعی مردم، احکام هم شامل احکام تکلیفی است و هم احکام وضعی، لذا میتوان گفت همه آثاری که ذکر شد، از ثمرات قاعده الضرر در فقه است. از سوی دیگر پیشتر گفتیم که از مهمترین مستندات «قاعده الضرر» دلیل عقلی و بنای عقلاست که پشتوانه بسیار محکمی برای این قاعده به شمار میرود. همانگونه که عقل به قبح ضرر رساندن به دیگری حکم میکند به رفع این قبح و ضرر و ضامنبودن در مقابل زیان دیده و جبران خسارت ناشی از این زیان نیز حکم میکند. بنای عقلا در طول زمان نیز بر همین امر

خداوند در این آیه شریفه نهی کرده از اینکه وصیت کننده در وصیتنامه خویش به وارث ضرر وارد کند و مانع از حقوق او شود یا به نیت اینکه مال به ورثه نرسد، اقرار به دینی کند که مدیون نیست. به نظر میرسد این آیه شریفه تنها بر حکم تکلیفی حرمت اضرار دلالت ندارد، بلکه حکم وضعی را هم شامل شده و استفاده میشود که چنین وصیتی صحیح و نافذ نیست. همچنین آیات ۲۸۲ سوره بقره و ۱۱۷ سوره توبه مستقیماً از ضرر رسانیدن به دیگران نهی فرموده است. در این آیات هرچند اضرار در موارد معین به عنوان مصداق مورد نهی قرار گرفته، ولی به طور قطع موارد مزبور هیچ گونه خصوصیتی ندارند و همه موارد را جز مواردی که ضرر اندک و غیر قابل اعتنا بوده و یا مصلحت مهمتری از تحمل آن وجود داشته باشد، شامل میگردد و با عنایت به آیه چهارم وقتی در مسأله وصیت و دین که مال خود میت بوده است ضرر رسانیدن ممنوع است به طریق اولی ضرر به مال و جان و شخصیت دیگران ممنوع و منهی است. بنابراین با «الغاء خصوصیت» از موارد ذکر شده در آیات مورد اشاره به این نتیجه می رسیم که هر فعل یا ترک فعلی که منجر به ضرر زدن و آسیب زدن - اعم از مادی و معنوی، روحی و جسمی - به دیگران گردد حرام و ممنوع است.

ادله روایی حرمت ضرر رسانی به دیگران

گروهی از روایات مربوط به باب ضرر و اضرار به طور مستقیم حکم ضرری و اضراری نفی شده است و پیامبر اکرم (ص) عبارت «لا ضرر و لا ضرار» را بیان فرموده اند. از جمله در پاسخ به شخص متعرضی به نام سمره بن جندب که فرمودند: «انک رجل مضار، لا ضرر و لا ضرار» (۱۸) و بعد دستور دادند نخل این فرد را که موجبات ضرر و آزار دیگران را فراهم نموده بود، از ریشه درآورده و جلوی او بیندازند تا هر کجا خواست آن را بکارند. همچنین پیامبر (ص) میان شرکای اراضی و شرکای مسکن ها حکم به شفعه نموده و در تعلیل آن فرمودند: «لاضرر و لا ضرار». متن روایت که از امام صادق (ع) نقل شده چنین است: «وَقَضَى رَسُولُ اللَّهِ بِالشَّفْعَةِ بَيْنَ الشَّرَكَاءِ فِي الْأَرْضِينَ وَالْمَسَاكِنِ وَ قَالَ: لَا ضَرَرَ وَ لَا ضَرَارَ؛ عِلْتُ يَا حَكِمْتُ دَرَجَلٍ حَقِّ شَفْعَةٍ لِغَيْرِ شَرِيكِ أَيْنَ اسْتِ كَهَ نَبُودُنْ چَئِنِ حَقِّي مَوْجِبُ ضَرَرٍ وَ اَضْرَارٍ مِشْهُودُ» (۱۹). در روایت دیگری چنین نقل شده که شخصی بر روی نهر روستایی آسیابی داشت (البته با حق بهره برداری از آن). مالک روستا میخواست آب را از جای دیگری غیر از این نهر به روستا برساند که در این صورت آسیاب از کار می افتاد. به امام حسن عسکری (ع) موضوع را مینویسند که آیا صاحب روستا چنین حقی دارد؟ امام (ع) مرقوم میفرماید: «بِقِي اللَّهِ وَ يَعْمَلُ فِي ذَلِكِ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَا يَضُرُّ إِخَاهَ الْمُؤْمِنِينَ؛ اَزْ خِدا بَتَرَسِدْ وَ مَطَابِقِ عَرَفِ عَمَلِ كُنْدْ وَ بَه بَرَادِرِ مَوْمِنَشْ ضَرَرٌ وَارِدْ نَكُنْدْ» (۲۰). در این روایت امام (ع) حکم را مستند به عنوان اضرار کرده اند. از این اسناد استفاده میشود که عدم جواز اضرار مؤمن نسبت به برادرش، حکم عامی است که در همه موارد جاری است و این حکم گرچه در ابتدا به نظر میرسد حکم تکلیفی باشد، ولی میتوان با تأمل بیشتر حکم وضعی نیز از آن برداشت نمود. به عبارت دیگر علاوه بر اینکه آسیب و زیان رساندن به دیگری حرام و ممنوع است، رساندن ضرر و آسیب

از امام صادق (ع) نقل شده: «عن ابی بصیر عن ابی عبدالله (ع) فی المحصنات من النساء الا ما ملکتم ایمانکم قال: هن ذوات الازواج» (۲۴) یعنی امام صادق (ع) در مورد محصنات در آیه فوق فرمودند: منظور زنان شوهردار هستند.

اجماع فقهاء بر این است که عقد نکاح با زن شوهردار جایز نیست و چنین عقدی باطل است که محقق حلی می گوید:

«زن شوهردار برای مرد دیگر حلال نیست، مگر پس از جدا شدن از شوهر و پایان یافتن عده، البته اگر از زانی باشد که دارای عده میباشند» (۲۵).

در مذهب حنفیه نیز چنین آمده است:

«زنان شوهردار خواه مؤمنه یا غیر مؤمنه بر شما حرام هستند» (۲۶).

با عنایت به مطالب فوق الذکر و مستندات قرآنی و روایی همانگونه که فقهای امامیه و عامه نیز بیان نموده اند عقد نکاح با زن شوهر دار جایز نبوده و چنین عقدی بر اساس شرع مقدس اسلام باطل است لذا در جهاد نکاح نیز با توجه به اینکه چنین شرطی در آن رعایت نمی گردد قطعاً بدعت بوده و باطل می باشد.

همچنین از دیگر شرایط مهم دیگر این است که شرع مقدس اسلام واجب فرموده است که زن پس از انحلال عقد نکاح اعم از دائم و موقت عده نگه دارد که در قرآن کریم فرموده است: «وَلَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ فِیْمَا عَرَضْتُمْ بِهِ مِنْ خُطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْتِنْتُمْ فِی أَنْفُسِكُمْ عِلْمَ اللَّهِ أَنْكُمْ سَتَدْرُؤْنَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْزَمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ یَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ مَا فِی أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِیمٌ» (۲۳/بقره) یعنی و گناهی بر شما نیست که به طور کنایه، [از

زنانی که همسرانشان مرده اند] خواستگاری کنید، و یا [بی آنکه اظهار کنید] در دل تصمیم بگیرید. خداوند می دانست شما به یاد آنها خواهید افتاد؛ البته پنهانی با آنها قرار [زناشویی] نگذارید، مگر این که به طرز پسنیده ای [به طور کنایه] اظهار کنید؛ [ولی در هر حال،] اقدام به ازدواج ننمایید، تا عده ای مقرر سرآید. و بدانید خداوند آنچه را در دل دارید، می داند. از مخالفت او بپرهیزید؛ و بدانید خداوند، آمرزنده و دارای حلم است. در تفسیر و توضیح آیه مذکور چنین بیان نموده اند: «منظور از کتاب در آیه فوق (ما کتب و فرض من العدی) می باشد یعنی آنچه از عده بر این زنان واجب و لازم شده است» (۲۷).

همانگونه که در آیه شریفه مشهود است در زمان عده حتی عزم بر ازدواج نیز جایز دانسته نشده است و نجفی چنین توضیح داده است که دو نکته قابل برداشت است: «اول بیان مبالغه و شدت تاکید بر جلوگیری از این نوع ازدواج میباشد. گویا شارع راضی نیست که در فکر و ذهن کسی چنین تصمیمی منعقد شود که در این صورت به طریق اولی به انعقاد عقد در عالم خارج مخالفت کرده و به نحو آشد از آن بازداشته است. دوم تحریم عزم بر ازدواج، مستلزم تحریم ازدواج است؛ زیرا اگر ازدواج جایز بود؛ عزم بر آن نیز قطعاً جایز بود. زیرا منطقی و معقول نیست، کاری جایز باشد، اما عزم بر آن جایز نباشد» (۲).

استوار بوده و «هیچ ردع و منعی هم از طرف شارع واصل نشده که از این رهگذر امضای شارع احراز میگردد» (۲۳).

بنابراین به وضوح مشخص گردید که جهاد نکاح مصداق ضرر و اضرار به غیر است که از نظر ادله قرآنی و فقهی چنین عقدی حرام و باطل است. همچنین با توجه به اینکه برخی شرایط عقد نکاح که فقهای فریقین اجماع در لزوم وجود آنها برای صحت نکاح دارند در جهاد نکاح رعایت نمی گردد موجب بطلان چنین عقدی خواهد بود. از جمله شرایط صحت نکاح آن است که بین زوج و زوجه رابطه ای محرمیتی نباشد و اصطلاحاً نکاح با محارم باطل است. در قرآن کریم برخی افراد به خاطر نسبت خانوادگی که با انسان دارند، ازدواج با آنها حرام و ممنوع اعلام شده است که بر این اساس هر گونه عقد نکاحی با ایشان باطل است و آیه ذیل الذکر در این زمینه آمده است که می فرماید:

«حُرِّمَتْ عَلَیْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نَسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نَسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء/۲۳) یعنی بر شما حرام شده است مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان و عمه هایتان و خاله هایتان و دختران برادر و دختران خواهر و مادر هایتان که به شما شیر داده اند و خواهران رضاعی شما و مادران زنانان و دختران همسرانتان که [آنها دختران] در دامان شما پرورش یافته اند و با آن همسران همبستر شده اید پس اگر با آنها همبستر نشده اید بر شما گناهی نیست [که با دخترانتان ازدواج کنید] و زنان پسرانتان که از پشت خودتان هستند و جمع دو خواهر با همدیگر مگر آنچه که در گذشته رخ داده باشد که خداوند آمرزنده مهربان است. در عین حال در جهاد نکاح ازدواج با محارم نیز جایز شمرده شده است که مخالف نص صریح این آیه شریفه است.

یکی دیگر از شرایط صحت نکاح آن است که زوجه در عقد دیگری نباشد و شوهر نداشته باشد. در حقیقت در شرع مقدس اسلام یک زن مجاز نیست بیش از یک شوهر در زمان واحد داشته باشد که در قرآن کریم در این رابطه آمده است:

«وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَیْكُمْ وَأَحَلَّ لَكُمْ مَا وَّرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَتَّبِعُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ فِیْمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء/۲۴) یعنی و زنان شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده اید [این] فریضه الهی است که بر شما مقرر گردیده است و غیر از این [زنان نامبرده] برای شما حلال است که [زنان دیگر را] به وسیله اموال خود طلب کنید در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید و زنانی را که متعه کرده اید مهرشان را به عنوان فریضه ای به آنان بدهید و بر شما گناهی نیست که پس از مقرر با یکدیگر توافق کنید مسلماً خداوند دانای حکیم است.»

بنابراین با عنایت به شرح فوق و مستندات در این رابطه بدین نتیجه دست می‌یابیم که با زنی که در زمان عده به سر می‌برد نمی‌توان عقد نکاح منعقد نمود و چنین عقد نکاحی باطل است لذا جهاد نکاح نیز که نگه داشتن عده را لازم نمی‌داند و در زمان عده قابل انعقاد است، مشروعیت ندارد و ازدواج‌های پشت سر هم و بدون فاصله زمانی معین شده در شرع مقدس، محکوم به زناست.

نتیجه گیری

در این پژوهش ادله قرآنی و فقهی عدم مشروعیت جهاد نکاح در پرتو آثار زیان بار روحی- روانی و آسیب رسانی به سلامت افراد مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. یکی از نتایج بررسی‌های به عمل در این پژوهش آن است که به اعتقاد پزشکان و روانپزشکان تجاوزهای صورت پذیرفته در هر قالبی از جمله جهاد نکاح، آثار و پیامدهای و ضررهای بسیار بزرگ غیر قابل جبران پذیری را بر روح و جسم دختران و زنان قربانی این اعمال وحشیانه به جای می‌گذارد. از سوی دیگر به صراحت ادله قرآنی و فقهی ضرر رساندن و آسیب رساندن به دیگران در شرعیت مطهر اسلام ممنوع و حرام است. همچنین شرایط صحت نکاح در جهاد نکاح رعایت نمی‌گردد که مجموع این ادله و یافته‌ها محقق را به این نتیجه می‌رساند که با توجه به آثار زیان بار و ضررهای معتنا به جهاد نکاح فاقد مشروعیت لازم می‌باشد.

15. Mohaghegh Damad, Seyed Mostafa, Rules of Jurisprudence, Tehran, Islamic Sciences Publishing, 2004, Vol. 1, p. 191
16. Mousavi Khalkhali, Seyyed Morteza, The rule of no harm and no harm, Qom, Islamic Publishing Center, 1418 AH, p.93
17. Hali, Abu al-Qasim, Sharia of Islam in matters of halal and forbidden, Beirut, Dar al-Azwa, 1403 AH, vol. 3, p. 232
18. Har Ameli, Muhammad ibn Hassan; Shiite means, Tehran, Islamic School, 1409 AH, vol. 17, p. 341
19. Klini, Muhammad ibn Ya'qub; Al-Kafi, Tehran, in Islamic Books, 1407 AH, p. 231
20. Free Ameli, Muhammad ibn Hassan; Shiite means, Tehran, Islamic School, 1409 AH, vol. 17, p. 191
21. Har Ameli, Muhammad ibn Hassan; Shiite means, Tehran, Islamic School, 1409 AH, vol. 17, p. 411
22. Jafari, Mohammad Taghi, jurisprudential treatises, Tehran, Institute for the Dignity Publications, 1419 AH, pp. 99-100
23. Mohaghegh Damad, Seyed Mostafa, Rules of Jurisprudence, Tehran, Islamic Sciences Publishing, 2004, Vol. 1, p. 151
24. Majlisi, Mohammad Baqir (1403), Baharalanwar, Beirut, Al-Wafa Institute.
25. Hali, Ja'far ibn Hassan (1409), Sharia al-Islam, Tehran, Esteghlal Publications.
26. Al-Kasani Al-Hanafi, Imam Alaa Al-Din (1421), Innovations of industry in the order of Sharia, Beirut, Dar al-Ma'rifah.
27. Tabarsi, Amin al-Islam Abu Ali (1415), Majma 'al-Bayyan, Beirut, Scientific Institute.

References

1. Abu Al-Hussein, Ahmad Ibn Faris Ibn Zakaria (1404), Dictionary of Language Comparisons, Qom, Publications of the Office of Islamic Propaganda of the Seminary of Qom.
2. Najafi, Mohammad Hassan (1367), Jawahar al-Kalam, Tehran, Islamic Library.
3. Johari, Ismail Ibn Hammad (1410), Taj al-Lingha wa Sahah al-Arabiya, Dar al-Alam for the Muslims, Beirut
4. Farahidi, Khalil Ibn Ahmad (1410), Kitab al-Ain, Qom, Hijrat Publishing.
5. Naraq, Mawlawi Ahmad bin Muhammad Mahdi (1415), Documentary of Shi'ism in the rules of Shari'a, Qom, Al-Bayt Foundation, peace be upon them.
6. Dezfuli, Morteza bin Mohammad Amin Ansari (1415) (1, book of marriage, Qom, World Congress in honor of Sheikh Azam Ansari).
7. Ameli, Zayn al-Din ibn Ali (1413), The schools of understanding until the revision of Islamic law, Qom, Islamic Knowledge Foundation.
8. Al-Ghaytabi Al-Hanafi, Muhammad Mahmud bin Ahmad (1420), Al-Banaya Sharh Al-Hedayya, Beirut, Dar Al-Kitab Al-Alamiya.
9. Al-Maqdisi, Abdullah bin Ahmad bin Qadama (1405), the rich in the jurisprudence of Imam Ahmad bin Hanbal Al-Shaybani, Beirut, Dar al-Fikr.
10. Abu al-Hasan, Ali ibn Abd al-Salam al-Taswali (1418), Al-Bahja in the explanation of the gift, Beirut, Dar al-Kitab al-Alamiya.
11. Aftab news site, <https://aftabnews.ir>.
12. Hazrat Vali Asr Research Institute, www.valiasr-aj.com.
13. <https://www.islamtimes.org/fa/article/417240>
14. <http://armitacilinic.com/article/109>